شعیب بهمن، کارشناس مسائل روسیه، نقش این کشور در انتخابات اروپا و رابطه آن با ایران را بررسی کرد

ایران قدرتمند مطلوب روسیه است یا نه؟

سیدمهدی طالبی انتخابات پارلمان اروپا در ۲۸ کشور قاره سبز از پنجشنبه گذشته آغاز شده و فردا یکشنبه به پایان خواهد رسید. آنچه در این دوره انتخابات پارلمان اروپا را متفاوت‌تر از گذشته کرده، حضور پررنگ احزاب و جریانات راست جدید (افراطی) در این انتخابات است. آنها قصد دارند برای تاثیرگذاری بر اتحادیه اروپا تا یک‌سوم از کرسی‌های پارلمان اروپایی را به دست آورند. در همین حال درست یک هفته پیش از آغاز این انتخابات فیلمی از سوی دو رسانه آلمانی منتشر شد که در آن اشتراخه معاون صدراعظم اتریش و رهبر حزب راست‌افراطی آزادی این کشور در حال مذاکره برای تبانی و دریافت کمک مالی و انتخاباتی از شخصی روس تبار بود. افشای این مساله و نیز حمایت‌های علنی راهبران جریانات راست‌افراطی اروپا از روسیه باعث شده است که این جریانات از سوی رهبران جناح‌های سنتی اروپا متهم به دریافت کمک از روسیه برای فروپاشی اتحادیه اروپا شوند. برای بررسی این موضوع و ماهیت روابط راست‌های افراطی با روسیه، با شعیب بهمن، کارشناس مسائل روسیه به گفت‌وگو نشستیم. او معتقد است روس‌ها از فروپاشی اتحادیه اروپا سود می‌برند و قصد دارند به جای تعامل با یک مجموعه یکپارچه به صورت منفرد با کشورهای اروپایی وارد رابطه شوند. شعیب بهمن می‌گوید دلیل گرایش راست‌های افراطی با روسیه اشتراک با آن بر سر ملی‌گرایی و نیز جذاب بودن الگوی موقع مدیریتی ولادیمیر پوتین در روسیه است. بررسی سیاست جدید ایران در رابطه با «نگاه به شرق» و نیز چگونگی توسعه روابط تهران و مسکو به عنوان یکی از ستون‌های این راهبرد از دیگر موارد مورد بررسی در این گفت‌وگو است.

عکس: مصطفی سرگزی، آفرینشگران

از روز پنجشنبه روند انتخابات پارلمان اروپا آغاز شد. در چند روز اخیر در تجمعات راست‌های جدید (افراطی) بحث حمایت روسیه خیلی داغ بود است و آنها از بین این حمایت هیچ ابایی نداشتند. چه اتفاقی افتاده و روسیه تحت چه مکانیسمی به جایگاهی رسیده است که در اروپا از او دفاع می‌شود؟ آیا این به خاطر کارکرد رسانه‌های روسی است یا از وایا تغییر کرده است؟

این موضوع از دو جنبه قابل بحث و بررسی است؛ یک جنبه به سیاست‌های روسیه در اتحادیه اروپا مرتبط می‌شود و یک جنبه هم سیاست‌ها و نگرش‌هایی است که احزاب دست‌راستی دارند. روسیه به‌ویژه پس از روی کار آمدن آقای پوتین، دو رویکرد را به صورت جدی در قبال کشورهای اروپایی دنبال کرد؛ رویکرد اول ایجاد اختلاف و فاصله بین کشورهای اروپایی بود، رویکرد دوم مبتنی بر تلاش روس‌ها برای ارتباط با کشورهای اتحادیه به صورت منفرد بود. یعنی به جای اینکه بخواهند به صورت کلان با اتحادیه اروپا وارد رابطه شوند، به صورت منفرد با کشورهای عضو اتحادیه وارد تعامل و گفت‌وگو شدند. هر دو رویکرد نشان می‌دهد آنها تمایلی به وجود موجودیتی به نام اتحادیه اروپا نداشتند و هرچه اتحادیه تضعیف شود به سمت اضمحلال پیش رود، به نفع روس‌هاست. به همین دلیل وس‌ها در طی سال‌های اخیر به شکل پررنگی سعی کردند از دو گونه احزاب در کشورهای اروپایی حمایت کنند: دسته اول احزاب یا گرایشات چپ که عمدتا سابقه ضدآمریکایی دارند و دسته دوم که امروز بخش‌های خیلی پررنگ‌تر شده، احزاب دست‌راستی هستند. این احزاب به‌ویژه به دلیل گرایش‌های سیاست خارجی‌شان، مورد حمایت روسیه هستند. در سال‌های گذشته این احزاب مشکل خیلی زیادی با سیاست‌های روسیه نداشتند و بعضا از این سیاست‌ها حمایت هم می‌کردند. به‌عنوان مثال حضور روس‌ها در سوریه، مورد حمایت اکثر احزاب دست‌راستی بود یا حتی آنها روسیه را متوقف و الحاق شبه‌جزیره کریمه به مسکو را موافقت این احزاب مواجه شد. این احزاب به دلیل گرایش‌های ملی‌گرایانه، عمدتا در پی ایده‌های استقلال‌طلبانه پیش می‌روند و خواهان فروپاشی اتحادیه اروپا یا دست کم کاهش نقش کشورشان در اتحادیه اروپا هستند. این مساله با سیاست‌های روسیه درخصوص اروپا به‌نوعی همخوانی دارد. به همین دلیل، ما احتمال دارد اولین کشورهایی که روز جمعه برای روسیه داغ شکنار و بعضا با کمک مالی و رسانه‌ای هستیم، همان اتفاقی که روس‌ها در سال ۲۰۱۶ آمریکا رقم زدند و فرضی مجزای انزگار بودند، در اروپا هم انجام می‌دهند. روسیه با سرمایه‌گذاری روی این احزاب، اتحادیه اروپا را بی‌اعتبار می‌کند.

بنابراین می‌توانیم چنین بگوییم که آنچه امروز تراسپ به آلمان‌ی آن است، همان اتفاقی که پوتین دنبال می‌کند؟

دنبال آن است. بخش اصلی این موضوع به ماهیت روابط راست‌های افراطی با روسیه، با شعیب بهمن، کارشناس مسائل روسیه به گفت‌وگو نشستیم. او معتقد است روس‌ها از فروپاشی اتحادیه اروپا سود می‌برند و قصد دارند به جای تعامل با یک مجموعه یکپارچه به صورت منفرد با کشورهای اروپایی وارد رابطه شوند. شعیب بهمن می‌گوید دلیل گرایش راست‌های افراطی با روسیه اشتراک با آن بر سر ملی‌گرایی و نیز جذاب بودن الگوی موقع مدیریتی ولادیمیر پوتین در روسیه است. بررسی سیاست جدید ایران در رابطه با «نگاه به شرق» و نیز چگونگی توسعه روابط تهران و مسکو به عنوان یکی از ستون‌های این راهبرد از دیگر موارد مورد بررسی در این گفت‌وگو است.

کرد؟ آیا اروپا تسلیم آمریکا می‌شود و بایستگی انرژی اش به روسیه را کمتر می‌کند؟

نزاع درخصوص مسائل ژئوپلیتیک بین‌المللی به‌ویژه انرژی در اروپا ادامه پیدا خواهد کرد. آن طور نیست که بگوییم در یک نقطه به پایان می‌رسد. از یک طرف روس‌ها به دنبال حفظ سهم صادرات بیش از ۴۰ درصد انرژی خودشان به کشورهای اروپایی هستند و از سوی دیگر کشورهای اروپایی خواهان متنوع‌تر کردن مسیرها و منابع وارداتی انرژی هستند، اما در عین حال با محدودیت‌های مختلفی در این زمینه مواجه هستند. برخی مسیرها شاید نامن باشند، برخی منابع نیز دست‌نیافتنی هستند؛ مانند منابع ایران که به دلیل مسائل و مباحثی که بین ایران و غرب وجود دارد، عملا استفاده از آن برای کشورهای اروپایی در شرایط فعلی ناممکن است، ولی در روابط مابین روسیه و اروپا، آمریکایی‌ها وارد نزاع شده‌اند و اعلام کرده‌اند قرار مایع خودمان را می‌توانیم با کشتی به قاره اروپا منتقل کنیم. این ایده مورد استقبال کشورهایی قرار گرفته که بیشترین ضدیت را با روسیه دارند. حتی انگلیس از این ایده استقبال کرده است، ولی واقعیت آن است که برای اجرایی شدن چنین طرحی در ابعاد گسترده هنوز تردیدهای جدی وجود دارد، زیرا زیرساخت‌های موردنیاز آماده نیستند و هنوز مشخص نیست آمریکا چه نوع کشتی حمل و در کدام بندر منتقل خواهد شد. به احتمال زیاد این طرح تبلیغاتی باقی می‌ماند و بعید است که در آینده اجرایش سال‌ها طول خواهد کشید. تا آن زمان روسیه تلاش می‌کند همچنان موقعیت انحصاری اش را در اروپا حفظ کند و کشورهای اروپایی را در حوزه انرژی به خودش وابسته نگه دارد. معادلات مرتبط با انرژی در اروپا مساله‌ای نیست که بگوییم در یک نقطه متوقف می‌شود. این معادلات دائم در حال تغییر و دگرگونی هستند.

جریان‌های راست افراطی حامی واگرایی در اتحادیه اروپا و افراطی شاخص در اروپا از روسیه تعریف و تمجید کردند. بعد از حوادث اوکراین و تحرکات وسیع روسیه در این کشور به هر صورت راست‌های افراطی نیز باید تجدید نظر می‌کردند؟ روسیه داشته باشند. به نظر نمی‌آید که یک مساله بالاتر از اشتراک در علی گرایی باعث شده این نزدیکی میان روس‌ها و راست‌های افراطی به وجود بیاید. می‌شود گفت این جریانات یک علقه ذهنی نیز به روس‌ها دارند؛ مثل همان تفکرات مسیحی اتحاد مقدس که زمانی در اروپا تشکیل شد. شاید بشود گفت روسیه را همانند یک روم مقدس می‌بینند؟!

یک‌سری از مسائل اروپا، مربوط به بحث‌های داخلی و انتقادهایی است که به شیوه حکمرانی دارند. بعضا این شیوه‌های حکمرانی به حضور این کشورها در اتحادیه اروپا گره خورده است. این احزاب دست‌راستی برخی از مشکلات کشورهایشان را ناشی از عضویت در اتحادیه اروپا می‌دانند. این موضوع جدی است و آنها را به سمت واگرایی از اتحادیه سوق داده است. موضوع دیگری هم اینها را نیز پوتین الگوی خیلی جذاب آقای پوتین است. برای ترامپ پوتین الگوی خیلی جذاب است.

> احزاب راستگرا به دلیل گرایش‌های ملی‌گرایانه عمدتا در پی ایده‌های استقلال‌طلبانه پیش می‌روند و خواهان فروپاشی اتحادیه اروپا یا دست‌کم کاهش نقش کشورشان در اتحادیه اروپا هستند. این مساله با سیاست‌های روسیه درخصوص اروپا به‌نوعی همخوانی دارد

از منظر اقتدارگرایی؟

از منظر مقتدرنبودن و اینکه توانسته است پهناورترین کشور جهان را با آن ازهم‌گسیختگی و مشکلاتی که در دهه ۹۰ داشت، به یک قدرتمند تبدیل کند و خوزه‌های بازیگری روسیه را افزایش دهد. پوتین موفق شد بار دیگر روسیه را به سطح همان منازعات اما غرب گرایی در ایران است. در سالیان گذشته چه در دوره پیش از انقلاب و چه پس از انقلاب به‌شدتی که غرب گرایی در ایران ترویج شده، رابطه با سایر کشورها مورد توجه قرار نگرفته است. به همین دلیل ما می‌بینیم که اساسا غرب گرایان چه در سطح نخبگان فکری وجه نخبگان سیاسی اعتباری برای رابطه با روسیه قائل نیستند و دائما نگاه‌شان به غرب است. به محض اینکه گشایشی در روابط خارجی ایران ایجاد می‌شود آنها غرب را انتخاب می‌کنند و حاضر نیستند به سمت کشورهای دیگر بروند. حال اینکه چرا این اتفاق افتاده است دلایل متعددی دارد. از نظام آموزشی ایران گرفته که هم به شکل درست تصحیح نشده است تا فضایی که در دوره پیش از انقلاب و جنگ سرد حاکم بود. تبلیغات دائما منفی علیه شوروی و روس‌ها تاثیرگذار بوده است. همین امروز در کتاب‌های درسی ما دائما از گلستان و ترکمانچای به‌عنوان قراردادهای ننگین نام برده می‌شود در حالی که از جدایی هرات از ایران یا دخالت انگلیسی یا حتی جدایی بحرین از ایران یا شفارغربی‌ها کمتر اخترتر بوده‌اند، نامی برده نمی‌شود یا حداقل به عنوان اقدامات ننگین از آنها یاد نمی‌شود. این نشان می‌دهد آموزش و پرورش هنوز دارای نگاه غربی است. چگونه تاریخی که غربی‌ها نوشته‌اند هنوز در مدارس و دانشگاه‌ها در حال تدریس است. این نگاه در بقیه رسانه‌ها هم به نوعی تولید شده است. از صداوسیما گرفته تا نشریات و رسانه‌های مختلف، فیلم‌های تاریخی که حتی در دوره بعد از انقلاب ساخته شده دائم به این بازتولید دائما منفی تاریخی به روسیه کمک کرده است. در حالی که در مورد غرب یا چنین اتفاقی نیفتاده است یا خیلی جدی گرفته نشده است. اینها دلایل مهمی هستند در کنارش دلیل مهم دیگر آن است که روس‌ها را به دیگری منفی تبدیل می‌کنند. متاسفانه در ایران فضای فکری و آکادمیک ما فضای جهت‌گیری شده‌ای نسبت به روسیه است. بخش عمده‌ای از آن به‌خاطر کتب و منابع آموزشی است که در ایران مورد استفاده است زیرا بخشی از آنها کتاب‌های غربی هستند و به شکل مستقیم از منابع انگلیسی، فرانسوی و دیگر زبان‌های اروپایی ترجمه شده‌اند. بخش دیگری کتاب‌هایی هستند که با بوسطه از زبان روسی ترجمه شده‌اند. این کتاب‌ها عتاد از اروپی به انگلیسی یا فرانسوی و بعد به فارسی ترجمه شده‌اند. این مساله باعث شده است در میان دیدگاه‌های مراجع ایران و نیز مردم هم در متن تاثیرگذار بود همین الان هم‌چوقت نشان‌ها حدبن‌واسطه‌ای از روس‌ها نداشته‌ایم و همیشه این شاخت به رابطه غربی‌ها به دست آمده است. همین الان نیز اگر خبری از روسیه می‌رسد، ولی منتشر می‌شود منبع خبر عمدتا انگلیسی زبان است و ما خیلی کم سراغ منابع روسی می‌رویم. این موضوعات باعث بازتولید فضای ضروری شده‌اند. به‌عنوان نمونه چندی پیش روس‌ها اعلام کردند تمامی کشورها و بازیگرانی که به شکل غیرقانونی در سوریه حضور دارند باید از این کشور خارج شوند. خرگزاری‌های ما اصل این خبر را در منابع روسی ندیدند، بلکه از منابع غربی ترجمه کردند. در آنجا اولا اتمام کشورهایی که غیرقانونی به سوریه آمده‌اند، حذف شده‌اند و در کنار آن این جمله اضافه شد که «از جمله ایران هم باید از سوریه خارج شود»، در حالی که من همان روز وقتی به منبع اصلی خبر و خرگزاری روسی رجوع کرده دیدم نامی از ایران نبرده شده است. در همان دوره یک موج عجیب در شبکه‌های اجتماعی به راه افتاد که روس‌ها دارند به ما خیانت می‌کنند و گفته‌اند ایران باید از سوریه خارج شود و فقط روسیه در این کشور باشد. این موارد دست به دست هم داده و باعث شده است نگاه منفی به روسیه بازتولید شود. فشار آکادمیک ما هم به شدت ضدروسی است! اکثر اساتیدی که در دانشگاه‌های ما کارسی‌های روسی‌شناسی و روس مرتبط با روسیه را تدریس می‌کنند به‌شدت ضدروس‌ها هستند. اکثر کارشناسان این حوزه ضدروس هستند و به جای آنکه تحلیل واقع‌بینانه و بدون پیش‌داوری داشته باشند سعی می‌کنند با پیش‌داوری پیش‌فرض وارد تحلیل مسائل روسیه بشوند.

فکر می‌کنم روسیه نیز این مساله را فهمیده و برای همین آن دیده نمی‌شود، حالا شاید به‌طور هوشمندانه این کار را انجام می‌دهند

نه، ضدیت که نیست و به‌طور هوشمندانه این اقدام صورت گرفته است و سازمان‌های اروپایی قوی که ایرانی‌ها نوشتند در مورد روسیه بدون واسطه آن اخبار کسب کنند وجود ندارد و اسوئیتوسیک نیز نتوانسته است این کار را درست انجام دهد. ایرانی‌ها باید این کار را انجام دهند و نه روس‌ها. به دلیل سختی و دشواری زبان روسی، دانشجویان و کارشناسان این حوزه به سمتش نمی‌روند یا اگر می‌روند به‌سرعت دچار سرخوردگی می‌شوند و رهایش می‌کنند. درحالی که ما اگر واقعاً می‌خواهیم با روس‌ها کار کنیم درهوله‌اول باید آنها را به‌درستی بشناسیم و شناخت نیز بدون واسطه اتفاق می‌افتد. باید زبان را بلد باشیم تا بتوانیم آنها را مقرر کنیم وقتی چون زبان انگلیسی را حتی‌تر است همه به سمت منابع انگلیسی‌زبان و غربی رفته‌اند و می‌روند و به تبع آن هم فضای فکری پس از مدتی به همان واسطه شکل می‌گیرد. به همین دلیل است که اکثر تحلیل‌ها در ایران ضدروسی و غرب گرایانه می‌شود.

برخی رسانه‌های غربی اظهارنظر نوشتن را که گفت ما آن نشان نیستیم به بحث جنگ ربط دادند و گفتند منظور روس‌ها این بوده است که اگر جنگی رخ داد ما آن نشان نیستیم که بخواهیم جنگ را خاموش کنیم. در توافق هسته‌ای روسیه مواضع نسبتا مثبتی داشت و حتی در دولت اوباما و زمانی که وزیر امور خارجه ایران می‌گفت تحریم‌های آمریکا نقض برجام نیست، آقای لاوروف تاکید داشت این تحریم‌ها نقض برجام است. مسکو در روزهای اخیر وبخت افزایش حجم مواد غنی شده موضع خیلی خوبی گرفت و اعلام کرد در چارچوب توافق هسته‌ای بوده است. روسیه در توافق هسته‌ای در چه مسیری قرار می‌دارد؟ آیا روسیه به سمت غرب حرکت می‌کند یا موضع مستقلانه‌ترش را به همراه چین حفظ خواهد کرد؟

در دوره برجام اگر بخواهیم در یکی دو جمله نقش روسیه را خلاصه کنیم باید بگوییم نقشی سازنده داشت و کاملا از شکل گیری برجام و حصول توافق طرفین حمایت کرد. مسکو هیچ گاه نقش محربی ایفا نکرد و به‌عنوان یک عضو دائمی آن سه‌سی می‌کرد نقش قدرت پلیس بد را بازی کنند و به‌نوعی توافق را جرا چالش کنند و به تعویق بیندازند، عمل نکرد. در وهله دوم روس هانقش سهیلگر را ایفا کرد. بسیاری از پیچیدگی‌های ایران را که در طول مذاکرات به وجود آمده بودن‌ها با مذاکراتی که با طرفین داشتند، تسهیل کردند. خیلی از گره‌های مذاکرات با میانجیگری روس‌ها باز شد. در حال حاضر هم باعث شده است من میان دیدگاه‌های مراجع ایران عمدتا مطرح می‌شود روس‌ها همچنان نگاه مثبتی به برجام و اقدامات ایران دارند. درواقع پیام پوتین به کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا بود که توافق بین‌المللی را نقض کرده‌اند. در کنار این مساله هم کشورهای اروپایی هستند که نمی‌توانند پایبندی خودشان را به توافق حفظ کنند. بنابراین این موضوع هم موضوعی جدی بود که روس‌ها بر آن تاکید داشتند و در کنار آن می‌بینیم که از مواضع ایران نیز حمایت می‌کنند. پیش‌بینی بنده این است که به‌نوعی آنکه روس‌ها تمایل دارند برجام به‌عنوان یک سازوکار جدی پابرجا باقی بماند و از بین نرود، درک کاملا منطقی از اوضاع و شرایط به وجود آمده نیز دارند و ایران را در کنار آنچه تعهدات خودش را کاهش دهد، محق می‌دانند. بنده به‌صراحت ذکر کردم اگر ایران از برجام خارج شود از فردایش همه فراموش می‌کنند این آمریکا بود که برجام را نقض کرد و تمام تبلیغات رسانه‌ای به سمت ایران می‌آید که این کشور باعث شده است ترمپ‌نیز برجام بوده است. بنابراین روس‌ها کاملا مساله را درک می‌کنند و می‌دانند که دامه طرف، توافق را نقض کرده است و کدام طرف خارج شده و به همین دلیل هم تصور این است که در آینده نیز روس‌ها نزدیک‌ترین موضع نسبت به ایران را در میان طرف‌های حاضر در برجام خواهند داشت. ضمن اینکه این موضوع باید از سمت ایران هم مدیریت شود و ما دائما مدعا کرد و تعامل دوجانبه با داشته باشیم هم در مورد برجام و هم در مورد سایر موضوعات ولی به‌طور خاص درباره موضوع برجام ما نیازمند مذاکرات و رایزنی‌های جدی با روسیه هستیم تا بتوانیم همچنان با هماهنگی مساله را پیش ببریم و در آینده مشکل خاصی به وجود نیاید. به‌ویژه در مورد کشورهای اروپایی که دیر یا زود این اتفاق افتاد و آنها به سمت آمریکا متمایل خواهند شد و دست به اعمال تحریم علیه ایران خواهند زد وحتی ممکن است پرونده را مطرح نمایند در شورای امنیت مطرح کنند. ما در چنین مواردی به همکاری با روسیه نیاز داریم. در نتیجه مساله را باید درست مدیریت کرد ضمن اینکه به هرحال روس‌ها گفته‌اند ما آن نشان نیستیم به این معنا که در چنین شرایطی نمی‌توانیم علما به‌چیزنشی اینکه آنیم؛ نه می‌توانیم آمریکا را به توافق برگردانیم، نه می‌توانیم کشورهای اروپایی را مجاب کنیم و فشار بیاوریم که در چارچوب توافق باقی بمانند و نه می‌توانیم ایران را از حق خودش محروم کنیم که تعهدات خودش را کم نکند

> روس‌ها گفته‌اند ما آن‌نشان نیستیم به این معنا که در چنین شرایطی نمی‌توانیم علما هیچ‌نشی ایفا کنیم؛ نه می‌توانیم آمریکا را به توافق برگردانیم، نه می‌توانیم کشورهای اروپایی را مجاب کنیم و فشار بیاوریم که پایبندی خود را حفظ کنند و نه می‌توانیم ایران را از حق خودش محروم کنیم که تعهدات خودش را کم نکند

برخلاف اروپا که در آن نگاه راست‌های افراطی به روسیه مثبت می‌شود در ایران هیچ موقع نگاه به روسیه مثبت نبوده است. حتی در حال حاضر با خروج آمریکا از برجام و با وجود حمایت‌های روسیه از برجام، برخی همچنان می‌گویند روس‌ها بدتر از آمریکایی‌ها هستند. حتی این اعتقاد وجود دارد که آمریکا در برهه‌ای نگاهش به ایران خصمانه بوده است و بعدا دوباره اوضاع برخواهد گشت. این نگاه از کجا به وجود آمده و چگونه قابل اصلاح است؟

این نگاه به وقایع سیاسی مرتبط می‌شود. آنچه در تاریخ روابط ایران و روسیه اتفاق افتاده و در خاطره جمعی نخبگان فکری و سیاسی و توده‌های مردم مانده، قراردادهای ترکمانچای و گلستان است. حتی اگر کسی امتیازی به قرارداد ترکمانچای بدهد، می‌گویند رفتی قرارداد ننگ‌آور بسته‌ای، این قرارداد در خاطره جمعی مردم ایران حک شده که البته خود این مساله دلایل متعددی دارد. بحثی دیگر صورت روس‌ها قطعا سعی می‌کنند دست کم در شورای امنیت از چنین موضوعی جلوگیری کنند.

دیدگاهی در ایران وجود دارد که می‌گوید غرب تکنولوژی، صنعت و هرچه را لازم باشد دارد، ولی این ظرفیت در روسیه وجود ندارد. ما با روس‌ها نه تعاملات اقتصادی خاصی داریم و نه روس‌ها در ظاهر صنایعی دارند که به درد ایران بخورد که بخواهیم به غرب بهای زیادی ندهیم و با روس‌ها همکاری کنیم. آیا این دیدگاه درست است و روسیه ظرفیت همکاری با ایران را ندارد؟

این تحلیلی است که آقایان [غرب گرا] مطرح می‌کنند تا با روسیه همکاری نکنند. این موضع گیری چند دلیل دارد؛ یکی نگرش غرب گرایانه حاکم بر مدیران ما که دائم نیز همین نگاه را ترویج می‌کنند و می‌گویند روسیه تکنولوژی و فناوری ندارد و فناوری در غرب و کشورهای اروپایی و آمریکایی است و ما برای به دست آوردن تکنولوژی باید با آنها همکاری کنیم. بخش دیگر نیز این است که ما روسیه را به‌درستی نمی‌شناسیم، به‌صراحت می‌گویم نه نخبگان فکری ما روسیه را می‌شناسند و نه نخبگان سیاسی ما ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی را که در روسیه وجود دارد به‌درستی می‌شناسند.

اما ما در برخی همکاری‌ها با روس‌ها، به مشکلات زیادی برخورد کرده‌ایم. نمونه‌اش تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر است که چندین سال به درازا کشید.

نیروگاه بوشهر دو مساله دارد؛ یکی پایه نیروگاه غربی بوده است و آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها آن را طراحی کرده بودند. از همان آغاز روس‌ها اعلام کردند ما روی این پایه به دلیل تفاوت‌هایی که فناوری روسیه با کشورهای غربی دارد نمی‌توانیم کار کنیم. متاسفانه در داخل کشور کار کارشناسی انجام نشده بود و بر همین اساس با درخواست روس‌ها مخالفت شد. همین موضوع باعث زمانبر شدن احداث و راه‌اندازی نیروگاه شد. مساله دوم که در ایران زیاد به آن پرداخته نشده تعهدات مالی‌ای بود که ما به طرف مقابل داشته‌ایم و این تعهدات مالی را یا بعضا انجام نداده‌ایم یا دیر پرداخت کرده‌ایم و این باعث زمین ماندن کار شده است.

با فرض صحت این موضوع، مساله تحویل سامانه پدافندی اس ۳۰۰ هم برای ایران پرچالش بود و روس‌ها سال‌ها تحویل آن را به تعویق انداختند.

مساله اس-۳۰۰ چند دیگری است. اس-۳۰۰ هم یک توافق کاملا محرمانه بین ایران و روسیه بود و قرار هم بود که کاملا محرمانه باقی بماند اما متاسفانه در ایران این قرارداد نخواسته به وسیله یک فرد در یک مصاحبه‌ای افشا شد. این موضوع باعث شد که روس‌ها از طرف آمریکایی‌ها تحت فشار قرار بگیرند. بعد اهم تحریم‌های شورای امنیت اعمال و باعث شد تحویل این سامانه به تاخیر بیفتد ولی به محض اینکه تحریم‌ها برداشته شد روس‌ها این سامانه را به ایران دادند. مساله اینجاست که درباره خیلی از مباحث مهم در همکاری ایران و روسیه، این موارد به صورت واونه نمایش داده شده‌اند. وقتی چنین مباحثی در کشور مانادیده گرفته می‌شود موارد محرمانه‌ای می‌شود یا کسی از سر ذوق‌زدگی می‌آید موضوع محرمانه‌ای را در رسانه‌ها مطرح می‌کند، باید تبعاتش را نیز بپذیریم ولی این مسائل دیده نمی‌شود و دائم گفته می‌شود روس‌ها بدعهدی کرده‌اند و به تعهدات خودشان در قبال ایران پایبند نیستند، درحالی که واقعیت مساله چیز دیگری است.

در ایران تحلیل‌های سیاست خارجی بسیار جناحی شده است. در همکاری با روسیه و حتی پرونده‌هایی مثل کمک نیروهای حشدالشعبی برای کمک به سیل زدگان خوزستان این نگاه‌ها را می‌توان دید. به دلیل اینکه حاکمیت در یک موضوع مشخص با روسیه همکاری می‌کند، یک جناح دائما در حال اثبات گزاره خیانت روس‌ها به ایران است. اما در مقابل اروپا و آمریکا هرکاری انجام دهند، سکوت می‌کنند. پس از خروج شرکت‌های فرانسوی از ایران، این جریان نگفت فرانسوی‌ها خیانت کرده‌اند. جناحی‌شدن سیاست خارجی آسیب به سیاست خارجی ما نمی‌زند؟

جناحی‌بودن خیز زیادی در تمام تیغ‌های مختلفی وجود دارد که نگرش‌های متفاوتی به سیاست خارجی دارند. چیزی که اهمیت دارد جناحی بودن سیاست خارجی نیست، «جناحی‌شدن منافع ملی» است و اینکه برخی از جریانات و جریانات سیاسی نمی‌توانند به‌درستی منافع ملی را تشخیص دهند. برخی اساسا آمریکایی‌ها برای منافع ملی عاجزی می‌نمایند یا به‌دلیل مسائل حزبی و جناحی سیاسی خودشان تمایل دارد حیوی گری منافع ملی را جلوه دهند. اینجا کار به مشکل می‌شود. ما نمونه‌های مختلفش را در ارتباط با روسیه و حشدالشعبی دیده‌ایم. اینکه در سیاست خارجی دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشته باشد، مهیا ایرادی ندارد ولی آن‌ی دیدگاه تاجایی اهمیت دارد که در راستای تامین منافع ملی باشد. اگر قرار باشد منافع ملی به‌خاطر منافع جناحی نادیده گرفته شود، کشور دچار مشکل می‌شود. متاسفانه این اتفاق در داخل ایران درحال رخ دادن است. در بسیاری از موارد مانند حضور ایران در سوریه، عراق و... منافع ملی، جناحی شده است. استدلال‌های وضوح و روشنی وجود دارد که چرا ایران در منطقه حضور دارد و چرا با روسیه همکاری می‌کند و چرا در حال حمایت از حشدالشعبی است، ولی متاسفانه برخی نمی‌خواهند درست نگاه کنند و به‌دلیل ضدیتی که با جناح مقابل یا حاکمیت دارند، می‌خواهند مسائل را وارونه جلوه دهند.

در چند ماه اخیر آقای روحانی و ظریف نگاه‌شان به کشورهای منطقه معطوف شده است. این فعال شدن به خاطر بحث تغییر نگرش یا همان نگاه به شرق است یا یک موضوع مقطعی است؟ روسیه و چین به ایران انتقاد دارند تا زمانی که طرف غربی به بروز مشکل، به سمت شرق نمی‌آیید. این توجه به کشورهای همسایه و شرق راهبرد جمهوری اسلامی است یا یک موضوع مقطعی است؟

راهبرد «نگاه به شرق» موضوع مهمی در سیاست خارجی ایران است و در سطح حاکمیتی درحال دنبال شدن است. با توجه به سابقه منفی که کشورهای غربی در ایران داشته‌اند و با توجه به عدم پایبندی‌شان به تعهدات و فضاسازی علیه ایران، اصرار زیادی هم وجود دارد که ایران نگاهش را صرفا به کشورهای غربی ندوزد. این نگاه جدی است، اما نمی‌توانیم بگوییم این نگاه در دولت هم وجود دارد. نگاه دولت و وزارت خارجه همچنان به سمت غرب است و تصور می‌کنند در انتخابات بعدی آمریکا، ترامپ رای نخواهد آورد و فرد دیگری جایگزین او می‌شود و مجددا برجام احیا خواهد شد یا کشورهای اروپایی سرانجام موفق می‌شوند سازوکار اینستکس را اجرایی کنند و ایران می‌تواند به مبادلات تجاری اش با این کشورها ادامه دهد. چنین دیدگاهی در دولت غالب است. آن چیزی که امروز در سطح منطقه دنبال می‌شود، بیش از آنکه ناشی از نگاه اکثریت دولت باشد، ایده مجموعه نظام است و کاملا هم منطقی است. کشوری که ۱۵ همسایه دارد، قابل تحریم نیست و اگر ایران بتواند از میان ۱۵ کشور همسایه با پنج کشور همکاری درست و جدی انجام دهد، به راحتی می‌تواند تحریم‌ها را دور بزند و کم اثر کند. کشوری که دسترسی به آب‌های آزاد و همسایگان گوناگون دارد، قابل تحریم نیست. کشورهای روسیه و چین موضع مستقلی نسبت به غرب دارند و مثل کشورهای غربی خواستار تغییر نظام و برانداری در داخل ایران نیستند. این دو خواهان همکاری با ایران هستند و در حوزه اقتصادی نیز فلوت‌های مختلفی دارند. ما باید هم از ظرفیت‌هایی که در این کشورها وجود دارد استفاده کنیم هم اینکه توسعه روابط اقتصادی‌مان را با همسایگان به طور جدی‌تری پیگیری کنیم. ما در پیشین تحریم‌ها از طریق ترکیه توانستیم بخش مهمی از تحریم‌ها را کم اثر کنیم. در این دوره عراق، درحال بازی کردن این نقش برای ایران است. البته دنهایت این مسائل ایده دولت نیست و به محض اینکه گشایشی در روابط با غرب ایجاد شود، مجددا نگاه‌ها به همان سمت معطوف خواهد شد. دولت تلاش خواهد کرد روابط را با غرب گسترش دهد.

دلیل حمایت‌های روسیه از ایران در برخی از حوزه‌ها مانند برجام چیست؟ مسکو می‌خواهد با قدرتمندشدن ایران، این کشور مانافع آمریکا را همچنان تضعیف کند یا ایران رایک تسهیل‌گر برای حضور خود در منطقه می‌بیند؟

دلایل حمایت‌های روسیه از ایران در برخی از حوزه‌ها مانند برجام چیست؟ مسکو می‌خواهد با قدرتمندشدن ایران، این کشور مانافع آمریکا را همچنان تضعیف کند یا ایران رایک تسهیل‌گر برای حضور خود در منطقه می‌بیند؟ دلایل متعددی وجود دارد. یک دلیلش مسائل منطقه‌ای ایران است. ایران در سال‌های بعد از انقلاب نشان داده مسئول است و توانایی این را داشته که آمریکایی‌ها را به عقب‌نشینی وادار کند. در دوران هژمون مسلط‌نظام‌بین‌الملل آمریکا بی‌اعتنایی‌ها دیده شد، به‌ویژه در کمتر دو دهه منطقه‌ای ایران برای روس‌ها اهمیت دارد. آنها می‌بینند که ایران امروز توانسته است محوری را تحت عنوان محور مقاومت در سطح منطقه شکل بدهد که اتفاقا این محور، حداقل سطح رقابت را در دست دارد و می‌تواند روی بسیاری از تحولات تاثیرگذار باشد. ضمن اینکه روس‌ها می‌توانند با ایران به‌عنوان یک کشور ۷۰ درصد نفتی در حاشیه جنوبی خلیج‌فارس (عربستان، امارات و قطر) درمکان‌هایی است که شیعیان در آن ساکن هستند. بنابراین اگر قرار باشد این حکومت‌ها به سمت دموکراتیزه‌شدن حرکت کنند یا شیعیان قدرت بیشتری پیدا کنند، منتفع بزرگ این تحولات ایران خواهد بود. بنابراین برای روس‌ها ژئوپلیتیک شیعه که در منطقه شکل گرفته است، اهمیت بسیار زیادی دارد. نکته سوم، برداشتی است که ایرانی‌ها از اسلام دارند. برخلاف سعودی‌ها و تفکرات تکفیری و وهابی، ایران چنین دیدگاهی ندارد و در نقطه مقابل این دیدگاه ایستاده است. با توجه به خطراتی که روسیه در داخل کشورش و محیط پیرامونی از بروز و ظهور جریان‌های تندرو احساس می‌کند، مهم است در جهان اسلام، متحدی مثل ایران داشته باشد.

با این تعاریف ایران قدرتمند، در سیاست‌های روسیه چالش به‌شمار نمی‌رود؟

نه، به هیچ‌وجه. نکته چهارم این است که روس‌ها نمی‌خواهند تا زمان قوا از در منطقه خاورمیانه - یا آن طور که می‌گویند در خاور نزدیک - به هم بزنند و کشورهایی مثل عربستان با حمایت آمریکا یک‌تازشوند. به همین دلیل برای‌شان اهمیت دارد که ایران همچنان یک کشور قدرتمند در منطقه باقی بماند تا توازن قوا در منطقه حفظ شود تا افق یک جانبه به‌نفع آمریکایی‌ها تغییر نکند. به همین دلیل روس‌ها در سوریه، ایران را به‌عنوان شریک اتخاذ کردند. در همان دوران، بندر بن سلطان به روسیه چندین سفر داشت و پیشنهادهای گسترده از امتیازهای مالی گرفته تا اینکه ما جلوی تهدیدات تروریستی را در المپیک سوچی می‌گیریم، ارائه دادند، ولی روس‌ها برای همکاری ایران را نتخاب کردند.

به نظر می‌رسد روس‌ها به ایران اعتماد دارند.

بله، این اعتماد به دلیل مواضع مستقلی است که ایران داشته است. ایران هم معتقد است این موضع مستقل ایران در آینده حفظ می‌شود. شماره سایر بازیگران منطقه نگاه کنید، می‌بینید همه منحد آمریکا یا با دست کم پیرو آمریکا هستند و طبعا نمی‌توانند متح